Vol 1,
Issue 1, Ser 1
2026

Journal of Civilization History

Shiraz University

OPEN ACCESS

DOI: 10.22099/JCHR.2026.55506.1018

Review: The Year 1000. When Explorers Connected the World and Globalization Began

Zeinab Ghanbarinezhad*

Abstract

The analysis of The World in the Year 1000 is of particular importance in the study of world history, as it offers a new approach to the process of globalization, one that is fundamentally different from the narratives established in traditional Western historiography. The dominant narrative links the beginning of globalization to the European voyages of the fifteenth century and believes that the recognition and connection of continents is the product of the era of geographical discoveries. However, Valerie Hansen, in the introduction to her book, criticizes this Eurocentric view and argues that communication networks between continents had formed much earlier and that the year 1000 is one of the most critical turning points in these early connections. During this period, the world was experiencing a primitive but powerful form of globalization economically, culturally, and technologically. The extensive exchange of goods, intercontinental migrations, long-distance Viking voyages, the expansion of Indian Ocean trade, and the central role of civilizations such as Song China (960–1276 CE) and the Islamic world all suggest that some regions have long been participants in an emerging world system. Drawing on archaeological evidence, scattered textual sources, and interdisciplinary analysis, Hansen attempts to show that this period was not merely an era of "pre-globalization" but a genuine phase of polycentric globalization. This article examines Hansen's book to examine the theoretical and historiographical dimensions of this claim.

Keywords: world history, Islamic Civilization, Chinese civilization, Latin American civilization, African civilization.

* Assistant Prof in History, Shiraz University, Shiraz, Iran
z.ghanbarynejad@saadi.shirazu.ac.ir

COPYRIGHTS ©2026 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY-NC 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the Original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publisher.

مجله‌ی پژوهشنامه‌ی تاریخ تمدن
بهار و تابستان ۱۴۰۵
Shiraz University

OPEN ACCESS

نقد کتاب، سال ۱، شماره‌ی ۱، پیاپی ۱، صص ۲۱۵-۲۲۲

DOI: 10.22099/JCHR.2026.55506.1018

بازخوانی روایت جهانی‌شدن: بررسی کتاب

«سال ۱۰۰۰: زمانی که کاوشگران جهان را به هم پیوند دادند و جهانی‌شدن آغاز شد.»

زینب قنبری‌نژاد*

چکیده

تحلیل کتاب *جهان در سال ۱۰۰۰* اهمیت ویژه‌ای در مطالعات تاریخ جهانی دارد، زیرا این اثر رویکردی تازه نسبت به فرآیند جهانی‌شدن ارائه می‌دهد؛ رویکردی که به‌طور بنیادین با روایت‌های تثبیت‌شده در تاریخ‌نگاری سنتی غرب تفاوت دارد. روایت غالب، آغاز جهانی‌شدن را به سفرهای دریایی اروپاییان در قرن پانزدهم پیوند می‌زند و معتقد است که شناخت و اتصال قاره‌ها محصول دوران اکتشافات جغرافیایی است. اما والری هانسن در مقدمه‌ی کتاب خود با نقد این نگاه اروپامحور، بر آن است که شبکه‌های ارتباطی میان قاره‌ها بسیار زودتر شکل گرفته بود و سال ۱۰۰۰ میلادی یکی از حساس‌ترین نقاط عطف این پیوندهای اولیه است. در این دوره، جهان از نظر اقتصادی، فرهنگی و فناورانه در حال تجربه‌ی شکلی ابتدایی اما قدرتمند از جهانی‌شدن بود. مبادلات گسترده‌ی کالاها، مهاجرت‌های بین‌قاره‌ای، سفرهای دوربرد وایکینگ‌ها، گسترش تجارت اقیانوس هند و نقش مرکزی تمدن‌هایی چون چین سونگ (۹۶۰– ۱۲۷۶م) و جهان اسلام، همه نشان می‌دهد که برخی مناطق از دیرباز در یک نظام جهانیِ درحال شکل‌گیری مشارکت داشته‌اند. هانسن با اتکا به شواهد باستان‌شناختی، منابع متنی پراکنده و تحلیل‌های میان‌رشته‌ای، می‌کوشد نشان دهد که این دوره نه تنها عصر «پیش‌جهانی‌شدن» نبود، بلکه مرحله‌ای واقعی از جهانی‌شدنِ چندمرکزی به شمار می‌رفت. «سالِ ۱۰۰۰ میلادی آغازِ جهانی‌شدن بود. این زمانی است که مسیرهای بازرگانی در سراسر

* استادیار تاریخ دانشگاه شیراز، شیراز، ایران z.ghanbarynejad@saadi.shirazu.ac.ir

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۱۲/۲۲، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۳/۲۷

COPYRIGHTS ©2026 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY-NC 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the Original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publisher.

جهان شکل گرفت و امکان داد کالاها، فناوری‌ها، ادیان و انسان‌ها خانه‌ی خود را ترک کنند و به جایی تازه بروند.این مقاله با بررسی کتاب هانسن، به بررسی ابعاد نظری و تاریخ‌نگارانه‌ی این ادعا می‌پردازد.

واژه‌های کلیدی: تاریخ جهانی، تمدن اسلام، تمدن چین، تمدن آمریکای لاتین، تمدن آفریقا.

۱. مقدمه

والری هانسن (Valerie Hansen) نویسنده کتاب، تاریخ‌نگار برجسته آمریکایی در حوزه تاریخ جهانی و تاریخ چین است. او تحصیلات خود را در دانشگاه هاروارد به پایان رساند و دکتری تاریخ خود را از دانشگاه پنسیلوانیا دریافت کرد. هانسن از سال ۱۹۸۸ در دانشگاه ییل تدریس می‌کند و در حال حاضر استاد کرسی Stanley Woodward Professor of History در این دانشگاه است. او به‌عنوان پژوهشگر فولبرایت یک سال در شانگهای اقامت داشته، در برنامه‌های مشترک ییل با دانشگاه پکن و کالج Yale–NUS در سنگاپور تدریس کرده و برای انجام پژوهش‌های میدانی به حدود بیست کشور سفر کرده است. این تجارب میدانی نقش مهمی در نگارش کتاب جهان در سال ۱۰۰۰ داشته‌اند. مقدمه‌ی کتاب «*سال ۱۰۰۰*» شالوده‌ی استدلال اصلی والری هانسن را ترسیم می‌کند. او با طرح این پرسش آغاز می‌کند که آیا جهانی‌شدن واقعاً با سفرهای کریستف کلمب و واسکو دوگاما شروع شد، یا پیش از آن نیز شبکه‌ای جهانی از ارتباط و مبادله وجود داشت؟ هانسن با بهره‌گیری از شواهد باستان‌شناختی، متون تاریخی و داده‌های اقتصادی نشان می‌دهد که روند جهانی‌شدن بسیار زودتر و حدود سال ۱۰۰۰ میلادی آغاز شده بود. از نگاه او، روایت رایج تاریخ بیش از اندازه اروپامحور است؛ در حالی‌که در همان دوره، چین پیشرفته‌ترین اقتصاد جهان را داشت، جهان اسلام در انتقال دانش و کالا نقشی محوری ایفا می‌کرد، آفریقا از منابع غنی برخوردار بود و حتی وایکینگ‌ها به قاره آمریکا رسیده بودند. در چنین چشم‌اندازی، اروپا تنها یکی از بازیگران این شبکه بود، نه نقطه‌ی کانونی آن. هانسن این وضعیت را «جهانی‌شدن قرون‌وسطایی» می‌نامد. مرحله‌ای که با وجود تفاوت با جهانی‌شدن مدرن، ویژگی‌هایی چون جابه‌جایی انسان‌ها، گردش ایده‌ها و شکل‌گیری شبکه‌های پیچیده‌ی تجارت را دربر می‌گرفت.

روش هانسن ماهیتی میان‌رشته‌ای دارد، از بررسی سکه و سفال و لاشه‌ی کشتی‌ها گرفته تا مدارک اقتصادی و داده‌های زبانی. او توضیح می‌دهد که کمبود منابع مکتوب در برخی مناطق با شواهد غیرمتنی جبران می‌شود؛ شواهدی که هرچند همیشه قطعی نیستند، اما تصویری کلی و معتبر از گذشته به دست می‌دهند. در این چارچوب، هانسن نشان می‌دهد که در حدود سال ۱۰۰۰، بازرگانان و دریانوردانی از چین، هند و جهان عرب و نه صرفاً اروپاییان در شبکه‌ای گسترده از مبادلات فعال بودند. مسیرهای دریایی طولانی چین را به خلیج فارس و بغداد متصل می‌کرد و همان راه‌ها برای سفر حج نیز به کار می‌رفت. کالاها از عربستان تا چین و حتی شرق آفریقا حرکت می‌کردند و تماس میان قاره‌ها افزایش می‌یافت. این رفت‌وآمدها به گردش کالا، انسان، ایده و حتی بیماری انجامید و به‌تدریج پایه‌های جهانیِ امروز را شکل داد. کتاب از هشت فصل تشکیل شده است.

۲. معرفی کتاب

۲. ۱. فصل اول: جهان در سال ۱۰۰۰ میلادی

این فصل چشم‌اندازی جهانی از وضعیت تمدن‌ها در سال ۱۰۰۰ ارائه می‌دهد و بر چندمرکزی بودن جهان تأکید می‌کند. چین، جهان اسلام، آفریقا، آمریکای مرکزی و اسکاندیناوی هر یک در تجارت، دین و فناوری نقشی مهم داشتند. وایکینگ‌ها به آمریکا رسیدند، مسلمانان به آفریقا و آسیای مرکزی نفوذ کردند و کشتی‌های چینی در تجارت فرامنطقه‌ای پیشرو بودند. افزایش مازاد کشاورزی به رشد جمعیت و شکوفایی تجارت انجامید؛ در چینِ سونگ، جمعیت به حدود صد میلیون نفر رسید و اقتصاد رونق گرفت. در جهان اسلام، ورود محصولات کشاورزی تازه به قلمرو عباسی موجی از دگرگونی ایجاد کرد، هرچند پس از فروپاشی سیاسی، قدرت به دولت‌های منطقه‌ای منتقل شد. جمعیت اروپای غربی نیز با اصلاحات کشاورزی آنچه آر. آی. مور «غله‌گرایی» می‌نامد افزایش یافت.

۲. ۲. فصل دوم: به سوی غرب، ای وایکینگ جوان

این فصل به سفرهای دریایی وایکینگ‌ها به سوی آمریکا می‌پردازد و به‌ویژه بر ماجراهای لیف اریکسون تمرکز دارد. رسیدن به هِلولند (جزیره‌ای سنگلاخ و سرد)، مارکلند (سرزمینی جنگلی و سرد) و سپس منطقه‌ای حاصل‌خیز که وایکینگ‌ها مدتی در آن اقامت کردند. هانسن روایت خود را بر اساس sagas اسکاندیناویایی متونی نیمه‌حماسی و نیمه‌تاریخی بازسازی می‌کند و نشان می‌دهد که اروپاییان پیش از کلمب به آمریکا قدم گذاشته بودند، هرچند این تماس‌ها پایدار نشد و اثرات گسترده‌ای بر جا نگذاشت. در ادامه، ماجرای توروالد، برادر لیف، روایت می‌شود که هنگام بازگشت به وینلند با بومیان آمریکا روبه‌رو شد و در درگیری کشته شد. این برخورد که با خشونت، سوءظن و آمیختگی اسطوره و واقعیت همراه بود، نشان می‌دهد که تماس‌های نخستین میان اروپاییان و مردم بومی، واقعی اما شکننده و آکنده از ترس و سوءتفاهم بود.

۲. ۳. فصل سوم: بزرگراه‌های پان‌آمریکا در سال ۱۰۰۰

این فصل نشان می‌دهد که در حدود سال ۱۰۰۰ میلادی، تمدن مایا در آمریکای مرکزی دارای شهرهایی پرجمعیت، شبکه‌های تجاری گسترده و دستاوردهای پیشرفته‌ی مهندسی و معماری بود. نمونه‌ی شاخص این وضعیت، شهر چیچن ایتزا در شبه‌جزیره‌ی یوکاتان است؛ شهری که احتمالاً با جمعیتی نزدیک به چهل‌هزار نفر، بزرگ‌ترین شهر قاره‌ی آمریکا به شمار می‌آمد و امروز نیز از بهترین محوطه‌های تاریخیِ حفظ‌شده در جهان است.

مهم‌ترین بنای شهر، هرم الکاستییو با ارتفاع حدود سی متر است. طراحی این هرم چنان دقیق است که در روزهای انقلابین (۲۱ مارس و ۲۱ سپتامبر)، سایه‌ها روی پله‌های شمالی شکل ماری را تداعی می‌کنند که پیکرش به‌تدریج به سر سنگیِ پایین پله‌ها می‌پیوندد؛ نمایشی که نشان از دانش چشمگیر مهندسی و نجومی مایاها دارد. در کنار این بنا، زمین بازی عظیمی با ابعاد تقریباً ۱۵۰ در ۶۰ متر قرار دارد که از کهن‌ترین و بزرگ‌ترین میدان‌های بازی در سراسر مزوامریکا بود. بازی با توپ لاستیکی صورت می‌گرفت؛ توپ‌هایی که از لاتکس درختان بومی ساخته می‌شد و با شیره‌ی گیاهان

دیگر جهندگی بیشتری می‌یافت. حرکت توپ تنها با باسن، آرنج و زانو مجاز بود و عبور آن از حلقه‌های سنگی هدف اصلی بازی بود. هانسن به کمک این شواهد نشان می‌دهد که تمدن‌های آمریکای مرکزی نه‌فقط پرجمعیت، بلکه از نظر مهندسی، معماری و آیین‌های اجتماعی نیز بسیار پیشرفته بودند. آیین‌های پیچیده، هنر نمادین و روایت‌های تصویری از قدرت و خشونت، بخشی از جهان ذهنی و فرهنگی مایاها را بازتاب می‌داد.

۲. ۴. فصل چهارم: بردگان اروپایی

این فصل به حرکت وایکینگ‌ها به سوی شرق اروپا می‌پردازد و پیامدهای فرهنگی، اقتصادی و مذهبی این مهاجرت را بررسی می‌کند. برخلاف گروهی که راه اقیانوس اطلس را در پیش گرفتند، دسته‌ای دیگر از اسکاندیناوی‌ها از طریق دریای بالتیک به شرق رفتند و در شکل‌گیری دنیای روس نقش مهمی ایفا کردند. این گروه به نام روس (Rus) شناخته شد. واژه‌ای که در زبان فنلاندی به معنای «پاروزن» است. بیشتر آنان مردانی بودند که با زنان محلی ازدواج کردند، زبان‌های اسلاوی را آموختند و به‌تدریج در جوامع بومی ادغام شدند. روس‌ها با تجارت خز و برده، واسطه‌ای میان اروپا، بیزانس و جهان اسلام شدند و ثروت قابل توجهی به دست آوردند؛ ثروتی که به دگرگونی اقتصاد اسکاندیناوی نیز کمک کرد. در سال‌های ۹۸۸ یا ۹۸۹، گرویدن ولادیمیر، شاهزاده‌ی روس، به مسیحیت ارتدکس، مرزهای دنیای مسیحی را بازتعریف کرد و اروپای شرقی را به قلمرو تمدن مسیحی پیوند زد.

روس‌ها آمیزه‌ای از گروه‌های گوناگون نورس‌ها، آنگلوساکسون‌ها، فرانک‌ها و اسلاوها بودند. برخی از آنان با بومیان روابطی مبتنی بر مبادله‌ی مسالمت‌آمیز داشتند و برخی دیگر با زور خز و برده می‌گرفتند. با این همه، ازدواج‌های مختلط و پذیرش تدریجی زبان و فرهنگ بومی، نوعی همزیستی و ادغام فرهنگی را ممکن ساخت؛ امری که با تجربه‌ی استعمار اروپایی در آمریکا طی قرون هفدهم و هجدهم که اغلب با محروم‌سازی و حذف بومیان همراه بود، تفاوت جدی داشت. هانسن این روند را نمونه‌ای از «جهانی‌شدن اولیه» می‌داند. فرایندی که در آن مهاجرت، آمیزش فرهنگی و دگرگونی مذهبی هم‌زمان پیش می‌روند.

۲. ۵. فصل پنجم: ثروتمندترین مرد جهان

در این فصل نشان داده می‌شود که در سال ۱۰۰۰ میلادی، آفریقا تنها محل استخراج طلا و تجارت برده نبود، بلکه نقشی جدی در فرآیند جهانی‌سازی مذهبی و فرهنگی ایفا می‌کرد. حاکمان و بازرگانان آفریقایی با مراکز بزرگ جهان اسلام، به‌ویژه بغداد، در ارتباط بودند. از غرب آفریقا طلا، برده و عاج فیل صادر می‌شد و در برابر، مهره‌های شیشه‌ای، ظروف سفالی ایرانی و چینی و پارچه‌های ابریشمی و نخی وارد می‌گردید. برآوردها نشان می‌دهد که پیش از سال ۱۴۹۲، حدود دوسوم طلای مصرفی اروپا و آسیا از این منطقه تأمین می‌شد.

گسترش اسلام در آفریقا صرفاً نتیجه حضور مهاجران مسلمان نبود؛ بلکه بسیاری از بازرگانان و رهبران محلی آگاهانه این دین را پذیرفتند. این فرایند بیشتر در امتداد سواحل شرقی و دره‌های رودخانه‌های نیجر و سنگال رخ داد. شهر تادمکه در غرب آفریقا که نام آن یادآور «مکه» است با سنگ‌نوشته‌های عربی‌اش گواهی می‌دهد که اسلام در حدود سال ۱۰۰۰

به‌صورت بومی رواج یافته بود. یکی از سنگ‌نوشته‌های سال ۱۰۱۱ شامل شهادتین است و به دست فردی محلی[1] نوشته شده، نه مهاجری خارجی.

برخلاف روایت‌های قدیمی که نقش عرب‌ها را برجسته می‌کرد، پژوهش‌های جدید نشان می‌دهد که خود آفریقایی‌ها بازیگران اصلی تجارت و دین بوده‌اند. میان سال‌های ۸۰۰ تا ۱۸۰۰، شمار بردگانی که به جهان اسلام برده شدند، تقریباً با بردگان منتقل‌شده از راه اقیانوس اطلس برابری می‌کرد. روایت نیمه‌افسانه‌ای یک پادشاه آفریقایی که به بردگی فروخته شد، به بصره، مکه و قاهره سفر کرد و سپس به کشورش بازگشت و دوباره به سلطنت رسید، بیانگر آن است که حتی بردگان نیز گاه به دانش، دین و سفرهای زیارتی دسترسی می‌یافتند. در بندر سوفالا در موزامبیک، که دورترین نقطه دسترسی بادهای موسمی بود، کالاها جابه‌جا می‌شدند و از آنجا راه‌ها بیشتر زمینی یا با قایق‌های کوچک ادامه می‌یافت. در مجموع، این فصل نشان می‌دهد آفریقا در سال ۱۰۰۰ نه‌تنها کانون تجارت جهانی بود، بلکه در گسترش فرهنگی و مذهبی نیز حضوری فعال و تأثیرگذار داشت.

۲. ۶. فصل ششم: آسیای مرکزی دوپاره می‌شود

این فصل توضیح می‌دهد که در سال ۱۰۰۰ میلادی، آسیای مرکزی افزون بر قدرت نظامی، درگیر دگرگونی‌های مذهبی و سیاسی عمیقی بود که مسیر آینده منطقه را تعیین کرد. سوارکاران این ناحیه چنان مهارت داشتند که تیراندازی گروهی‌شان به مسلسل‌های امروزی شباهت داشت و تا پیش از رواج توپ و باروت پس از ۱۵۰۰، عملاً نیرویی همتا نداشت. پیک‌ها می‌توانستند روزانه تا ۵۰۰ کیلومتر بپیمایند و ارتش‌ها نیز با سرعتی چشمگیر گاه حدود ۱۰۰ کیلومتر در روز حرکت می‌کردند. حاکمان محلی ناچار بودند میان اسلامِ وابسته به عباسیان و سامانیان و نیز بودیسم یکی را برگزینند. پذیرش متفاوت این دو دین، شکافی مذهبی پدید آورد که آثار آن هنوز در منطقه‌ای چون سین‌کیانگ چین دیده می‌شود و بخشی از تنش‌های امروز را توضیح می‌دهد.

دشت‌های پهناور آسیای مرکزی، مسیرهای طبیعی برای تجارت، مهاجرت و انتقال دانش فراهم می‌کرد. کالاهای سبک اما گران‌قیمت مانند پارچه، خز، جواهرات و برده جابه‌جا می‌شد و دانشمندان ریاضی و نجوم برای یافتن حامی از درباری به دربار دیگر می‌رفتند. با تضعیف خلافت عباسی، سلسله‌هایی چون سامانیان، غزنویان، قراخانیان و سلجوقیان قدرت گرفتند و اسلام را به سرزمین‌هایی رساندند که امروز افغانستان و ازبکستان نام دارند. بدین‌ترتیب، آسیای مرکزی در سال ۱۰۰۰ نه‌فقط پایگاه نظامی مهمی بود، بلکه در شکل‌دهی به شبکه‌های مذهبی، فرهنگی و اقتصادی دنیای آن زمان نقشی تعیین‌کننده داشت.

۲. ۷. فصل هفتم: سفرهای شگفت‌انگیز

این فصل به سفرهای دریایی گسترده در حدود سال ۱۰۰۰ میلادی می‌پردازد و نشان می‌دهد که روند جهانی‌شدن، بسیار پیش‌تر از سفرهای اکتشافی اروپایی آغاز شده بود. پهنهٔ آبی گسترده‌ای که از سواحل آفریقا تا ژاپن را دربرمی‌گرفت، شامل دریای عرب، اقیانوس هند، خلیج بنگال، دریای چین جنوبی و شرقی و حتی اقیانوس آرام همچون شبکه‌ای پیوسته عمل

می‌کرد. دریانوردان با حرکت در امتداد این سواحل، به مبادله کالا و جابه‌جایی انسان‌ها و ایده‌ها می‌پرداختند. از حدود ۲۰۰ پیش از میلاد، ملوانان خلیج بنگال چرخه‌های سالانه بادهای موسمی را شناخته بودند. در زمستان بادهای خشک از خشکی به سوی دریا و در تابستان بادهای مرطوب از دریا به خشکی می‌وزیدند و باران‌های حیاتی کشاورزی را به همراه می‌آوردند. تا سال ۱۰۰۰، دریانوردی در سراسر اقیانوس هند به فعالیتی رایج بدل شده بود. مهم‌ترین کالاهای مبادله‌شده شامل چوب‌های خوشبو، گیاهان دارویی و ادویه‌ها بود. جزایر مالوکو (در اندونزی کنونی) سرچشمهٔ میخک و جوز هندی به شمار می‌آمد. در جهانی که حمام‌کردن چندان معمول نبود و غذاها طعمی ساده داشتند، این مواد معطر ارزش و محبوبیت فراوانی پیدا کرده بودند.

دریانوردان مالایی مسیرهایی بسیار دور از شبه‌جزیره مالایا تا ماداگاسکار را می‌پیمودند؛ مسافتی نزدیک به چهار هزار مایل که با نخستین سفر کریستف کلمب قابل مقایسه است. زبان مردم ماداگاسکار (مالاگاسی) با زبان‌های مالایی و پلی‌نزی پیوند دارد، نه با زبان‌های بانتویی آفریقا؛ بنابراین به‌نظر می‌رسد نخستین ساکنان جزیره از جنوب شرق آسیا آمده باشند. شباهت واژه‌هایی مانند kapu در هاوایی و tabu در تاهیتی هر دو به معنای «ممنوع» این خاستگاه مشترک را نشان می‌دهد و در نهایت منشأ واژه انگلیسی taboo نیز همینجاست. پژوهش‌های ژنتیکی نیز ترکیبی از نیاکان آسیایی و آفریقایی را در جمعیت ماداگاسکار تأیید می‌کند.

مطالعه‌ی ۲۴۳۳ دانه سوخته از ۱۸ محوطه باستانی نشان داده است که در ماداگاسکار، کشت برنج، ماش و پنبه ریشه‌ای آسیایی دارد؛ در حالی که در سواحل آفریقا سورگوم[۲]، ارزن و درخت باوباب منشأیی آفریقایی دارند. مهاجران آسیایی همچنین حیواناتی چون گربه (قرن ششم)، مرغ (قرن هشتم) و سپس گاو، گوسفند و بز (قرن نهم) را با خود آوردند.

۲. ۸. فصل هشتم: جهانی‌ترین مکان روی زمین

این فصل نشان می‌دهد که در حدود سال ۱۰۰۰ میلادی، چین به‌ویژه بندرگوانگژو (Canton) نقش محوری در شبکه‌های جهانی تجارت داشت و از نظر ارتباطات بین‌المللی از سایر نقاط جهان پیشرفته‌تر بود. چین کالاهایی مانند سرامیک‌های لوکس، پارچه‌های ابریشمی و محصولات صنعتی را به نقاط دور و نزدیک صادر می‌کرد. مشتریان این کالاها در خاورمیانه، آفریقا، هند و جنوب‌شرق آسیا قرار داشتند و اثرات تجارت حتی به مناطق داخلی چین نیز می‌رسید. از جمله کالاهای وارداتی می‌توان به مروارید و سنگ‌های چشم‌گربه‌ای برای زیورآلات، عاج فیل و شاخ کرگدن برای اشیای تزئینی، میوه‌های گرمسیری مانند نارگیل و جک‌فروت[۳]، ادویه‌هایی همچون فلفل سیاه، میخک، جوز هندی و هل و حصیرهای بافته‌شده از راتان مالزی اشاره کرد. بندر اصلی تجارت چین در آن زمان گوانگژو بود، واقع در جنوب‌شرقی کشور نزدیک هنگ‌کنگ. کشتی‌ها از این بندر به سمت جنوب (ویتنام و تنگه مالاکا)، سپس به هند، شبه‌جزیره عربستان و در نهایت سواحل شرق آفریقا حرکت می‌کردند. تا قرن هشتم، بیشتر کشتی‌ها متعلق به هند و عربستان بودند، اما پس از سال ۱۰۰۰ کشتی‌های چینی نقش غالب را در این مسیرها ایفا کردند.

مواد معطر (aromatics) در سال ۱۰۰۰ اهمیت زیادی داشتند. واژه‌ی چینی xiang به تمامی مواد خوشبو اطلاق می‌شد، شامل صمغ درختان، چوب‌های معطر، مشک و ambergris. خانواده‌های سلطنتی چین و ژاپن از اصلی‌ترین

مصرف‌کنندگان این محصولات بودند. در ژاپن، طبق رمان قصه‌ی گنجی اثر لیدی موراساکی، افراد حتی با بوی شخصی خود شناخته می‌شدند. گنجی ترکیب‌های عطری مخصوص خود می‌ساخت و لباس‌هایش را با دود چوب‌های معطر، معطر می‌کرد. زنان نیز لباس‌هایشان را معطر می‌کردند و در خانه‌هایی ساده بدون میز و صندلی، روی حصیرهای تاتامی زندگی می‌کردند. در نهایت، این فصل نشان می‌دهد که چین در سال ۱۰۰۰ نه‌تنها مرکز تجارت جهانی بود، بلکه در مصرف فرهنگی، زیبایی‌شناسی و ارتباطات بین‌قاره‌ای نیز پیشرو به شمار می‌رفت.

۳. تحلیل و ارزیابی

کتاب «سال ۱۰۰۰» با شکستن قالب‌های سنتی در فهم تاریخ جهانی، تصویری زنده و چندبعدی از آغاز دوران جهانی‌شدن ارائه می‌دهد. این اثر نشان می‌دهد که پیش از سلطه‌ی اروپا، جهانی پیچیده، مرتبط و چندقطبی وجود داشته است. نوآوری کتاب در تمرکز بر نقش تمدن‌های آفریقایی، آسیایی و بومیان آمریکا و نیز اتکا به یافته‌های باستان‌شناختی و داده‌های میان‌رشته‌ای، آن را به منبعی ارزشمند برای پژوهشگران تاریخ جهانی تبدیل کرده است مخاطبان اصلی کتاب شامل دانشجویان و استادان رشته‌های تاریخ، مردم‌شناسی، باستان‌شناسی و مطالعات آسیای مرکزی، چین و آفریقا هستند. همچنین خوانندگان عمومی علاقه‌مند به تاریخ، سفرهای اکتشافی و فرهنگ‌های گذشته، می‌توانند از روایت داستان‌وار و ملموس کتاب بهره ببرند. از جمله نقاط قوت و ضعف کتاب:

۳. ۱. بازتعریف تاریخ جهانی

یکی از ارزشمندترین جنبه‌های کتاب، خروج از نگاه اروپامحور و معرفی جهانی‌شدن به‌عنوان پدیده‌ای چندمرکزی است. هانسن نشان می‌دهد که قدرت‌های غیراروپایی مانند چین، جهان اسلام و آفریقا در شکل‌دهی شبکه‌های تجاری و فرهنگی جهانی نقش بنیادین داشته‌اند و اروپا تنها یکی از بازیگران این شبکه بود، نه محور آن.

۳. ۲. اتکا به منابع میان‌رشته‌ای

هانسن از رویکرد میان‌رشته‌ای بهره می‌گیرد و با تلفیق شواهد باستان‌شناسی، تاریخ اقتصادی، زبان‌شناسی، جغرافیا و مردم‌شناسی، تصویری جامع از جهان سال ۱۰۰۰ بازسازی می‌کند. این رویکرد باعث می‌شود جزئیات ارائه‌شده بسیار متقاعدکننده باشند، هرچند در برخی مناطق به دلیل کمبود منابع مکتوب، اثبات قطعی برخی فرضیات دشوار است.

۳. ۳. محدودیت‌های شواهد

اگرچه فرضیه‌ی وجود شبکه‌ای جهانی در سال ۱۰۰۰ جذاب است، اما در برخی مناطق، به‌ویژه ارتباطات میان اوراسیا و آمریکا، شواهد محدود و پراکنده‌اند. برخی پژوهشگران معتقدند که تعاملات وایکینگ‌ها، هرچند قابل توجه، به‌اندازه‌ای گسترده نبوده که بتوان آن را «جهانی‌شدن» کامل نامید.

۳. ۴. قدرت روایی و سبک نگارش

هانسن کتاب را به شکلی داستان‌وار نوشته است که خواننده را همراه سفرهای وایکینگ‌ها، مسیرهای جاده‌ی ابریشم، دریانوردی در اقیانوس هند و بازارهای چین می‌کند. این سبک، کتاب را برای مخاطبان عمومی جذاب و قابل فهم می‌سازد، هرچند برخی خوانندگان دانشگاهی ممکن است انتظار تحلیل نظری عمیق‌تر و انتقادی‌تری داشته باشند.

یادداشت‌ها

۱. متن عربی آن شامل شهادت اسلامی است: «محمد بن حسن این را نوشت و شهادت می‌دهد که خدایی جز الله نیست و محمد پیامبر اوست.»

۲. سورگوم (Sorghum) یک گیاه غله‌ای است که شباهت زیادی به ذرت دارد و در بسیاری از نقاط جهان، به‌ویژه آفریقا و آسیا، کشت می‌شود. این گیاه یکی از مهم‌ترین محصولات غذایی و علوفه‌ای در مناطق گرم و خشک است، زیرا نسبت به خشکی و کم‌آبی مقاومت بالایی دارد.

۳. جک‌فروت یک میوه‌ی استوایی بسیار بزرگ از خانواده‌ی توت‌سانان است که منشأ آن جنوب و جنوب‌شرق آسیاست. این میوه طعمی شیرین شبیه موز و آناناس دارد و به‌دلیل بافت گوشتی‌اش در آشپزی گیاهی به‌عنوان جایگزین گوشت استفاده می‌شود.

منبع

Hansen, V. (2020). The year 1000: When explorers connected the world—and globalization began. Scribner.